



دانش آموزان دانشجویان معلمان و دانشگایان

سال تحصیلی جدید را

به سال مبارزه علیه رژیم جهل و جنایت تبدیل کنید.

شماره ۱۶ دوره دوم - سال دوم - شهریورماه ۶۴ - قیمت ۳۰۰ ریال

به مناسبت ششمین سالگرد آغاز جنگ خانمانسور

با عزم و رزم انقلابی؛ جنبش صلح طلبانه را گسترده تر سازیم!

از "برکات" و "نعمت" این جنگ ایران بر یاد ده، حمله هوایی به خارك و خسارات عظیمی است که به این سرمایه مردم ایران وارد آمده و رژیم جمهوری اسلامی درباره آن سکوت کرده است.

هم میهنان!

این رژیم ضد خلقی، که با ادامه جنگ همه خلق ایران را داغدار کرده است، همچنان درصدد است تا برای سرپوش گذاشتن بر بن بست و شکست خود در جبهه ها، دهها هزارتن دیگر از فرزندان زحمتکشان را در جبهه های جنگ به گوشت دم توپ تبدیل کند.

راه مقابله با چنین جنگ ظلمی رژیم، گسترش هرچه بیشتر مبارزه توده ای در راه صلح، علیه جنگ و علیه رژیم است. جنبش صلح طلبانه مردم و مبارزات قهرمانانه توده ها در کوی ۱۳ آبان تهران، در اهواز، تبریز، مشهد، خرم آباد و بروجرد و سایر شهرهای ایران، پشت رژیم غدار جمهوری اسلامی را لرزاندند. یگانه راه رسیدن به صلح عادلانه تداوم و گسترش این مبارزات است. مبارزه آشکارا، پیگیرانه و متحدانه توده ها و عزم و رزم انقلابی آنان علیه رژیم جمهوری اسلامی، صلح عادلانه و شادی زندگی و سازندگی را جایگزین نکبت و ابدان رژیم جمهوری اسلامی و تباهی و ویرانی خواهد ساخت. مردم میهن ما در این مبارزه عادلانه و قهرمانانه خود در راه صلح، علیه جنگ و علیه رژیم جمهوری اسلامی تنها نیستند. همه نیروهای مترقی و انقلابی جهان، کشورهای - سوسیالیستی، نیروهای ملی و مترقی و همه بشریت آزادیخواه و صلح طلب، خواهان پایان این جنگ و ویرانگر هستند. فریاد صلح طلبانه مردم ایران هرچه رساتر در سراسر جهان طنین افکن شده است. بقیه در صفحه ۳

هم میهنان!
اکنون پنجسال تمام است که نره نره هستی و زندگی مردم ایران، بطور مدام در شعله های آتش این جنگ ویرانگر، ارتجاعی، نیست و نابود می شود. حکام سفاک و خونریز عراق و ایران تاکنون ۵۰۰/۰۰۰ تن از فرزندان مردم رنج دیده دو کشور را در موج خون و آتش توپ و خمپاره قربانی هدفهای ارتجاعی و غیرانسانی خود کرده اند. با اینهمه، سران رژیم جنگ و جنایت و ترس آنها آیت اله خمینی که بگفته خودش کشتار دهها هزار تن دیگر از فرزندان مردم، برای او "اصلا" مهم نیست، هنوز از خون جوانان وطن سیراب نشده اند.

نزدیک به ۲/۰۰۰/۰۰۰ نفر از خواهران و برادران ما از جنوب و غرب جنگزده خانه و کاشانه ویرانه خود را رها کرده و در سخت ترین شرایط آواره شهرکها و اردوگاهها شده اند. با اینهمه، اصرار رژیم بر ادامه جنگ و ویرانی، سایر شهرهای میهن را نیز در معرض بمبارانهای جنایتکارانه رژیم ضد مردمی عراق قرار داده است.

در این جنگ خانمانسوز، خوزستان و کارخانجات مهم آن مانند پالایشگاه آبادان، فولاد اهواز پتروشیمی، بندرها و اسکله های آن، محل زندگی و کسب و کار مردم و مزارع حاصلخیز آن آنچنان ویران شده که حتی نسلهای آینده ما نیز باید برای جبران خسارات آن کار کنند و این در حالی است که سران رژیم جمهوری اسلامی که خود با استفاده از قدرت دولتی و از طریق بندوبست باندبازی و رشوه خواری بار خود را بسته اند، همچنان منابع ثروتهای ملی میهن را با بیجیب انحصارات و دلالان بین المللی اسلحه می ریزند و یا در آتش بمبارانهای هوایی نابود می کنند. آخرین نمونه

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

فدائی

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

از سنگر مدرسه و دانشگاه

با دشمنان علم و هنر مبارزه کنیم!

با پایان گرفتن تعطیلات تابستانی، ۱۰ میلیون دانش آموز به همراه دهها هزار دانشجوی دانشگاهها و مدارس عالی و صدها هزار معلم و کارکنان آموزش و پرورش کشور سال تحصیلی ۶۵ - ۶۴ را آغاز می کنند. و این در شرایطی است که هزاران دانش آموز، دانشجو، معلم و دانشگاهی در زندانها بسر می برند، یا توسط رژیم جنگ و جنایت به جوجه اعدام سپرده شده اند و یا در جبهه های جنگ به کشتن داده شده اند.

سال تحصیلی در شرایطی آغاز می گردد که فجایع و جنایاتی که علیه فرهنگ و هنر و علیه مدرسه و دانشگاه توسط جانبداران حاکم بر ایران بوقوع پیوسته، امکانات و اوضاع و احوال تحصیل و آموزش و تربیت را به پایین ترین و رقت بارترین سطح ممکن تنزل داده است.

کمیاب شدید معلم و استاد، کمیاب مدرسه، کمیاب امکانات و وسایل آموزشی و اختناق و ارتجاع غالب بر محیط مدرسه و دانشگاه، تغییرات عمیقاً ارتجاعی و ضد فرهنگی در مواد و برنامه های درسی، تبعیضات مذهبی، و بالاخره فقر و فلاکت عمومی که خانواده های اکثریت دانش آموزان و دانشجویان با آن دست بگریبانند از یکسو بیش از ۳ میلیون نفر از نوجوانان و جوانان را بطور کلی از ادامه تحصیل محروم ساخته و از سوی دیگر بقیه را از حداقل رشد و تربیت علمی و آموزشی لازم که باید در مدرسه و دانشگاه تامین گردد باز داشته است. از این گذشته برای ۱۵ میلیون بیسواد کشور نیز نه تنها هیچ برنامه ای در کار نیست بلکه بنا به آمار رسمی منتشر شده از جانب خود رژیم تنها ۸۸ هزار نفر از این ۱۵ میلیون، یعنی کمتر از نیم درصد کل بقیه در صفحه ۲

با گسترش مکاتبات نشریه فدائی را غنی تر کنید!

یکی از مهم ترین نیازهای سازمان و یکی از راه های تبدیل نشریه "فدائی" به ارگانی زنده، ارگانی که نبض جنبش کارگری و توده ایران را در دست داشته باشد، گسترش مکاتبات اعضا و هواداران سازمان، هر فرد شرکت کننده در این جنبش، و یا علاقمند به آن با هیئت تحریریه ارگان است. این امر بویژه در شرایط کنونی که دوری از میهن دریافت اخبار، نظرات، پیشنهادات و انتقادات را از کانال تشکیلاتی با دشواری روبرو می سازد، از اهمیت بسیار برخوردار است.

هیئت تحریریه "فدائی" به این امر واقف است که بدون حداکثر حمایت و کمک شما در امر بقیه در صفحه ۳

از کدام طریق؟ بوروکراتیک یا دموکراتیک.

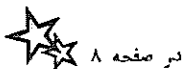
برای جنبش کمونیستی و آینده آن مهم این نیست که چه کسی چه کسی را معلق می کند. مهم این است که هر طرف چه نظرات و مسائلی را طرح می کند و چه راهحلی ارائه می دهد.

در صفحه ۴

باز هم درباره تقویت رابطه با مرکز ارتباطات سازمان

در صفحه ۵

آفریقای جنوبی در آستانه انقلاب



در صفحه ۸

پاسخ به رفقای کارگر از اراک

در صفحه ۳

تیرباران سه تن از رهبران

حزب کمونیست آندونزی. در صفحه ۷

ظاهرهای از پیویان و مهرنوش

در صفحه ۷

در راه صلح-کار-آزادی مبارزه کنیم

از سنگر مدرسه... بقیه از صفحه ۱

بیسوادان در سراسر ایران در کلاسهای " مبارزه با بیسوادی " شرکت می‌کنند. این ارقام بیانگر آن است که در عصر رشد شتابان علم و فن، در عصر انقلابهای عظیم علمی و فنی و در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان بیسوادی را سالهاست ریشه‌کن ساخته‌اند و سایرین نیز عمدتاً روز به روز از میزان آن می‌کاهند، در میهن ما علیرغم همه امکانات و ثروتهای مادی و معنوی آن در نتیجه سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی مدام بر جمعیت بیسوادان افزوده می‌گردد و در عین حال سطح علمی و فرهنگی مدارس و دانشگاهها نیز مطابق با تحولات رژیم مرتجع جمهوری اسلامی نزول می‌کند. هدف مرتجعین حاکم بر ایران آن بوده و هست که سطح دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را تا حد حوزه‌ها و مدارس علوم دینی پائین آورند و باحاکم گرداندن آخوندها و عوامل مرتجع خود بر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تضاد علم و جهل را به سود جهل حل کنند.

در مدت ۷ ساله گذشته بویژه از زمانی که رژیم جمهوری اسلامی با تعطیل دانشگاهها و مراکز آموزش کشور فاجعه تهاجم ضدفرهنگی خود را در ابعاد سراسری آغاز نمود، زخمهایی عمیق بر پیکر مدرسه و دانشگاه وارد آمده‌است. بطوری که تعداد دانشجویان ۳۳ دانشگاه کشور که در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ بیش از ۱۸۰ هزار دانشجو بودند امروز کمتر از یک پیشین است. وضع ۱۱ موسسه آموزش عالی از این هم بدتر است. در همین دوره از کادر آموزشی محدود ۱۶۵۰۰ نفری دانشگاهها حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر کاسته شده است و کادر مراکز تربیت معلم که در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷، تعداد آن ۵۳۲۶ نفر بود به کمتر از ۱۸۰۰ نفر کاهش یافته و همراه با این کاهش دهها هزار معلم مجرب نیز از کار اخراج شده‌اند. همه این فجایع در شرایطی ادامه یافته که سالانه بر تعداد جوانانی که باید به مدرسه (ابتدائی و متوسطه) و دانشگاه بروند یک میلیون نفر اضافه شده است.

مطابق آمار منتشر شده در سالنامه آماری سال ۶۳، ایران هم اکنون دارای ۱۳ میلیون نفر جمعیت ۶ تا ۱۸ ساله است که از این تعداد کمتر از ۱۰ میلیون نفر به مدرسه (ابتدائی یا متوسطه) می‌روند و بقیه یعنی بیش از ۳ میلیون نوباوه از تحصیل محروم‌اند. در سال گذشته از میان ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار کودک و نوجوانی که باید به مدارس ابتدائی بروند تنها ۵ میلیون و نهصد هزار نفر در مدارس کشور ثبت نام کرده‌اند و نتیجتاً " یک میلیون و ۵۰۰ هزار نوجوان ۶ تا ۱۴ ساله از حق آموزش، خواندن و نوشتن که امروز از ابتدائی ترین حقوق هر انسان است محروم شده‌اند. بیش از ۸۰ درصد محرومین را دختران تشکیل می‌دهند. درحالی که تعداد پسران و دختران کشور با هم برابر است، رقم دخترانی که در سال ۶۴ در مدارس ابتدائی

ثبت نام کرده‌اند ۹۵۰ هزار نفر کمتر از پسران است. در روستاها و شهرهای کوچک وضع از این هم وخیم‌تر است. وضع هم‌میهنان کرد، ترکمن و بلوچ مایسی بدتر از آن است که تصویر شده. در میان آنها بیش از ۵۰ درصد نوجوانان از تحصیل محروم‌اند و وضعیت مناطق جنگی و خانواده‌های آوارگان جنگ نیز چنین است.

این وضعیت نتیجه آن است که حاکمیت مذهبی جمهوری اسلامی با علم در تضاد است، با هنر دشمن است، با ورزش و تفریح دشمن است، با سنن و فرهنگ ملی و مترقی ایران خصومت آشتی-ناپذیر دارد و با تحصیل زنان و دختران و شرکت آنان در شئون اجتماعی بشدت ناسازگار است. این رژیم هر یک از مقولات فرهنگی فوق و رشد و گسترش آنها را به مفهوم محدود شدن زمینه‌های ادامه حیات ننکین خویش می‌داند و ادامه حیات خود را در اشاعه جهل و بیسوادی جستجو می‌کند.

در شرایطی که نوباگان ایران باید در مدرسه علوم غنوم‌مدن جهان امروز فراگیرند، خرافه‌پرستی، خواندن اوراد و امثال آن وقت دانش آموزان و هزینه‌های محدود آموزشی را هدر می‌دهند و در شرایطی که باید در روستاها و شهرهای کشور سالانه هزاران مدرسه و دهها دانشکده و موسسه آموزش عالی بنا گردد ثروتهای کشور صرف جنگ، صرف کشتار مردم ایران، صرف عیاشی و فساد روحانیون حاکم و صرف گسترش و نگهداری زندان‌ها می‌گردد. در واقع در ایران امروز ثروتها و امکانات کشور به جای آن که در راه رشد و گسترش علم و فرهنگ مردم ایران بکار گرفته شود در راه به زنجیر کشیدن علم و فرهنگ به باد داده می‌شود.

سکوت و معاشات در برابر این فجایع که برای به زنجیر کشیدن نسل‌های حال و آینده ایران و تشدید وابستگی علمی و تکنولوژیک ایران به امپریالیسم جهانی دنبال می‌گردد و میهن ما را در عصر پیشرفته‌ها و تحولات شتابان به قهقرا می‌برد شایسته هیچ ایرانی آزاده و میهن‌پرستی نیست. زیان این فجایع متوجه تمامی مردم ایران است. با این همه دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و دانشگاهیان که بطور مستقیم و روزمره زیر فشار اختناق و ارتجاع حاکم بر محیط آموزشی قرار دارند، پتانسیل بیشتری برای مبارزه علیه سیاستهای ضدفرهنگی رژیم دارا هستند.

رژیم که پیشینه درخشان جنبش دانش آموزی و دانشجویی و مبارزه معلمان و دانشگاهیان را در جریان برآمدهای توده‌ای سالهای ۵۶ و ۵۷ فراموش نکرده، بر این مساله وقوف دارد و از این رو دشمن بیرحم هر گونه شکل و هر گونه جنبش دانش آموزان و دانشجویان و حرکتی اعتراضی معلمان و دانشگاهیان است. رژیم با گسترش شبکه‌های جاسوسی و اعمال سرکوب و اختناق می‌کوشد زمینه‌ها و امکانات گسترش جنبش اعتراضی را در مدرسه و دانشگاه از میان بردارد.

با این همه رشد جنبش اعتراضی دانش آموزان و دانشجویان در چشم انداز نزدیک يك واقعیت مسلم و انکارناپذیر است. این جنبش در مبارزه علیه جنایات فرهنگی رژیم، در مبارزه علیه تفتیش عقاید و اختناق در مدرسه و دانشگاه، در مبارزه علیه تلاش حکومت در اعزام دانش آموزان و دانشجویان به جبهه‌های جنگ، در مخالفت با تبعیضات مذهبی و در دفاع از حقوق صنفی دانش آموزان و دانشجویان رشد خواهد کرد.

شکست رژیم در جنگ، رشد روحیه اعتراضی در میان اکثریت عظیم توده‌های سراسر ایران، شکسته شدن جو ارتعاب در کل جامعه از جمله در محیط های آموزشی، انزوای کامل انجمن‌های اسلامی و دیگر نهادهای تفتیش عقاید و جاسوسی در مدرسه و دانشگاه همگی زمینه‌های رشد جنبش اعتراضی در میان دانش آموزان و دانشجویان و معلمان و دانشگاهیان را مساعد ساخته است. برای دامن زدن به این جنبش، دانش آموزان و دانشجویان مبارز باید اولاً "سیاستهای ضدفرهنگی و ارتجاعی رژیم را در نرون مدرسه و دانشگاه و نیز در میان توده‌های مردم به هر شکل ممکن افشا کنند و ثانیاً" مبارزه در راه خواسته‌های صنفی و دموکراتیک که خواست اکثریت دانش آموزان و دانشجویان است مانند مبارزه برای قطع دخالت انجمن‌های اسلامی در امور مدرسه و دانشگاه، انتخاب نمایندگان واقعی خود و نیز خواسته‌هایی چون ایجاد کتابخانه، ایجاد اکیپ های ورزشی و کوهنوردی و ... رادامن زده و سازماندهی نمایند. به یقین مبارزه در راه هر یک از خواسته‌های صنفی و دموکراتیک دانش آموزان و دانشجویان در شرایط کنونی به سرعت به مبارزه علیه کلیت سیاستهای ضدفرهنگی رژیم تبدیل می‌گردد.

برای پیشبرد و دامن زدن به مبارزه در راه خواسته‌های فوق دانش آموزان و دانشجویان مبارز با شناختی که در محیط مدرسه و محله از یکدیگر پیدا می‌کنند باید به ایجاد تشکلهای سه تا چهار نفره مخفی مبارزت ویزند.

این تشکلهای می‌توانند نخست افشای سیاستهای ضدفرهنگی رژیم و یا خواسته‌های صنفی و دموکراتیک دانش آموزان و دانشجویان را بر دیوارهای مدرسه، کلاس درس و مسیر رفت و آمد دانش آموزان بنویسند و دانش آموزان و دانشجویان را به مبارزه در راه خواسته‌های صنفی و دموکراتیک خود، در راه از میان برداشتن نظام تفتیش عقاید و زدودن محیط مدرسه و دانشگاه از دخالت های ارتجاعی رژیم، فراخوانند. در گام های بعدی این تشکلهای می‌توانند با تظفیک مبارزه مخفی و علنی نقش موثرتری در گسترش مبارزات دانش آموزان و دانشجویان بردارند. با این امید که سال تحصیلی ۶۵ - ۶۴ سال گسترش مبارزه در راه زدودن دخالت- های ارتجاعی رژیم در مدرسه و دانشگاه باشد.



مردم مبارز و آگاه ایران!

با تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، جنایات، خیانتها و عوامفریبی رژیم ضدملتی جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشاء نمائیم.

ملح، کار، آزادی
هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - کیلان

مرگ بر امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

باعزم و رزم انقلابی! بقیه از صفحه

هم میهنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی هرگز به میل خود به این جنک خانمانسوز پایان نمی‌دهد. تنها با مبارزات پیگیرانه و متحدانه همه مردم ایران و نیروهای انقلابی و مترقی است که نابودی جنک، فقر و ستم و خفقان و استقرار همیشگی صلح و آزادی و برابری را بر ویرانه‌های رژیم جمهوری اسلامی، جشن خواهیم گرفت.

در آستانه ششمین سالگرد جنک خانمانسوز، ایران و عراق، سازمان فدائیان خلق ایران، توده‌های سراسر میهن، کارگران، دهقانان، کارمندان، روشنفکران و پرسنل آزادیخواه ارتش و همه نیروهای مترقی و انقلابی را به مبارزه‌ای متحدانه و پیگیرانه در راه صلح و علیه جنک و علیه رژیم جمهوری اسلامی فرا می‌خواند:

- در مبارزه علیه جنک، جنایات جنگی رژیم و شکست همه مقاصد و نقشه‌های سیاسی - نظامی آن را گسترده‌تر از پیش افشاء کنید!
- قطع کمک به جبهه‌ها، فرار از سربازی و کمک به فراریان از جبهه‌ها را به وسیع‌ترین شکل ممکن تبلیغ کنید!

- در جنوب و غرب میهن، در همه شهرهای در معرض بمباران، در میان خانواده سربازان و کشته شدگان جبهه‌ها، در اردوگاه‌های آوارگان جنگی و در صفوف ارتشیان و در جبهه‌ها، برای صلح و علیه جنک تبلیغ انقلابی را گسترش دهید!

- در هنگام بمبارانها بیاری هم میهنانم بشتابید، تبلیغات ضد مردمی و توطئه‌های عوامل سرکوبگر رژیم و شعار نفرت انگیز "جنک جنک تا پیروزی" را خنثی کنید. حرکات اعتراضی، تظاهرات موضعی و تظاهرات عمومی ضد جنک را سازمان دهید!

- برای پیشبرد موفقیت آمیزتر مبارزات توده‌ای علیه جنک و در راه صلح، هسته‌های ضد جنک را در محل کار و زندگی سازمان دهید!

سازمان فدائیان خلق ایران

شهریور ماه ۱۳۶۴

باگسترش مکاتبات بقیه از صفحه

مطلع ساختن و هدایت نویسندگان، ان از آنچه در میهن مان می‌گذرد، بویژه از حرکات اعتراضی کارگران و دیگر اقشار جامعه از هر نوع آن، چه صنفی و چه سیاسی، ارگان سازمان نمی‌تواند کارآیی، برای و جذابیت لازم را داشته باشد. ارگان از آن خود شماسست، و بنا بر این یکی از وظایف مهم شما کار پیگیر در جهت بهبود و ارتقاء آن است. پس از شما می‌خواهیم که در این امر مهم وظیفه بعهده بگیرید و هرچه بیشتر، حداقل هفته‌ای یکبار، برای ما نامه بنویسید. در این زمینه سعی در تنظیم نامه بصورت محرمانه و یا تنظیم وقت گیر مقاله و تصحیح ادبی آن نداشته باشید، و تنها در مورد صحت و دقت موضوع مورد گزارش بغایت حساس باشید. نامه‌های خود را بصورت عادی و خصوصی، نامه از یک دوست به دوست دیگر، با پست هوایی ارسال کنید. برای مثال، اگر در نامه حرکت اعتراضی خاصی را گزارش می‌کنید، در صورت فقدان اطلاعات کافی، آن را صریحاً "نکر کنید تا حدود و ثغور گزارش برای ما روشن باشد. در عین حال انتظار نداشته باشید که تمامی موضوعات مورد گزارش در ارگان درج شود. اکثر این نامه‌ها باید در واقع مارا در جریان زندگی روزمره و یا مسائل و روندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناسی اجتماعی طبقات و اقشار مختلف قرار دهد و لزوماً برای درج در ارگان نیست. توجه داشته باشید که اطلاعات ما بدلیل وجود اختناق و دشواری‌های کار علنی و نیمه علنی تشکیلاتی و نیز دوری از میهن، کافی نیست. از این رو، ضروری است که هیئت تحریریه از کانال‌های مختلف در جریان بحث‌ها، نظرات، ذهنیت و حرکات‌های کارگران، زحمتکشان، کارمندان دانشجویان و دانش‌آموزان، معلمان و استادان و دیگر گروه‌های اجتماعی، در جریان کشمکش‌های سیاسی درون و بیرون حاکمیت و یا مثلاً "وضع زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها قرارگیرند. احساسات، نظرات و انتقادات گروه‌های مختلف مردم در قبال نیروهای سیاسی، حاکمیت، سازمان و نشریه "فدائی" را در مکاتبات خود با ما منعکس کنید. نظر خودتان را درباره کار تبلیغی و ترویجی و تماس با مردم، نهادهای مختلف سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی برایمان ارسال دارید. تجربه نشان می‌دهد که حتی در شرایط دشوار کنونی انجام این وظیفه بصورت غیرمحرمانه و خصوصی، با رعایت حداقل ملاحظات امنیتی، امکانپذیر است. نامه شما از یک دوست به دوست دیگر است یا این تفاوت که شما خود آن را بعنوان وظیفه‌ای مهم تلقی می‌کنید و با دقت و امانت درخور چنین وظیفه‌ای به مکاتبه با ما می‌پردازید. برای مثال اگر در مورد حرکات اعتراضی کارگران و مردم در نقاط، نهادها و واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف نامه را تنظیم می‌کنید، به نکات زیر در چارچوب شکل مناسب مورد نظر خود، توجه داشته باشید:

- این حرکت کی آغاز شده و چه مدت طول کشیده است؟

- خواسته‌های مطرح شده چگونه شکل گرفته است، احیاناً "به چه مطالبات دیگری تغییر یا ارتقاء یافته، و تاچه حد این خواسته‌ها برآورده شده است؟ - شیوه‌های اتخاذ شده برای رسیدن به خواسته‌ها چه بوده است؟

- میزان شرکت مردم ذینفع و گروه‌های سیاسی در حرکت چقدر بوده و عکس العمل آنها و نیز دیگر اقشار جامعه چگونه بوده است؟

- عکس العمل رژیم و نهادهای اداری، نظامی و سرکوب در مقابل این حرکات چگونه بوده است؟ - آیا شرکت کنندگان در این حرکت ارزیابی خاصی از نقاط قوت و ضعف حرکت خود دارند و اگر دارند چیست؟

فراموش نکنید که در هر گزارشی درجه صحت و ثقم اطلاع از رویداد و فقدان اطلاعات در مورد برخی از مسائل را بصراحت ذکر کنید. ارزیابی خود را از نظرات دیگران و یا موضوع مورد گزارش تفکیک کنید و جداگانه به آنها بپردازید. خود را محدود به یک یا دو موضوع نکنید. در مورد هر چیز که به نظر شما مسئله مردم و جنبش است، بنویسید.

شما خبرنگاران ارگان هستید، و تنها مکاتبات گسترده شما و تلاش ما می‌تواند نشریه "فدائی" را به ارگانی زنده و راهبر تبدیل کند. این امر را جدی بگیرید و از دیگران هم بخواهیم در این کار مارا یاری کنند.

کارگران مبارز صنعت نفت

اعتصاب راه مبارزه علیه اختناق برای دستیابی به حقوق خود می‌باشد. با این سلاح به جنک آنان بروید و تا پاسخگویی به خواسته‌هایتان یک قدم به عقب ننشینید. ما با رساندن خبر اعتصاب به سایر کارگران حمایت خود را از شما اعلام می‌داریم.
سازمان فدائیان خلق ایران - کمیته شهید تربیسا

مردم مبارز و آگاه ایران

با تحریم انتخابات ریاست جمهوری، اراده قاطع خود را برای سرنگونی رژیم فئدالخلقی جمهوری اسلامی و تحقق شعار صلح - کار - آزادی به اشبات رسانیم.
هواداران سازمان فدائیان خلق ایران

سزنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

نتایج جنک ویرانگر برای مردم ایران

کشته شدگان جنک ۲۵۰/۰۰۰ نفر
معلولین جنگی بیش از ۲۰۰/۰۰۰ نفر
آوارگان جنگی ۲۰۰۰/۰۰۰ نفر
اسیران جنگی ۵۰/۰۰۰ نفر
شهروروستا ویران شده ۲۰۰ شهر و روستا
هزینه جنک فقط از طریق شبکه‌های قاچاق بین‌المللی ۳۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار در سال

آخرین شمره جنک، انهدام بیش از یک تاسیسات عظیم صادرات نفتی جزیره خارك است. در نتیجه این جنک ازنجاعی تلفات و خساراتی بهمین میزان بر مردم عراق وارد آمده است. هم میهن، بپا خیز. علیه جنک و کشتار!

سازمان فدائیان خلق ایران

شهریورماه ۶۴

از کدام طریق؟ بوروکراتیک یا دموکراتیک.

هیچ نظم و قاعده‌ای نبوده است، يك مورد فاصله دو پلنوم ۹ سال طول کشیده است و در موارد متعدد فاصله دو پلنوم ۵ سال و ۴ سال هم بطول انجامیده است.

در فواصل پلنوم‌ها، جمع محدودی خط مشی و سیاست حزب را تعیین کرده‌اند. رهبری حزب توده مکرراً از طریق کثوتپاسیون، خود ترمیمی و برگزینی اعضای جدیدی را به کمیته مرکزی اضافه یا عده‌ای را برکنار کرده‌اند. بدین ترتیب حذف راه حل‌های مارکسیستی - لنینیستی، انتخابی و دموکراتیک، اعضا را از مشارکت در تعیین و تصحیح سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها محروم ساخته است. اعضای حزب توده نقشی در برگزینی و برکناریها که در کمیته مرکزی آن انجام گرفته است نداشته‌اند. موقعیت افراد در کمیته مرکزی به نسبت پشتیبانی اعضا و سازمانهای حزبی از آنها تحکیم و تضعیف نشده است. نقض دموکراسی حزبی و گسیختگی کمیته مرکزی از سازمانهای حزبی موجب پیدایش دسته بندیهای مختلف در رهبری حزب شده است و دسته بندی بنوبه خود تداوم روش‌های بوروکراتیک و نقض حقوق اعضا را تقویت کرده است. دسته بندیهای که سابقه آن به قدمت خود حزب است. واقعیت اینست که نقض دموکراسی درون سازمانی در جنبش کمونیستی ایران عارضه‌ایست که با شدت و ضعف متفاوت و دامنه مختلف گزیبانیگره است. بکارگیری روش‌های بوروکراتیک در حل مسائل سیاسی - سازمانی در درون سازمانهای مختلف و در سطح جنبش کمونیستی تفرقه و پراکندگی را تداوم می‌بخشد. مسائل فرعی را بجای مسائل اصلی و منافع گروهی را مافوق مصالح جنبش انقلابی قرار میدهد، کوشش و انرژی افراد سازمانها را از جهت اصلی منحرف میسازد و بجای بررسی عمیق و مسئولانه مسائل تئوریک و سیاسی و تقویت مبارزه انقلابی انرژی عناصر صادق را در نبردی بی‌فراجه تباہ میسازد.

بکارگیری روش بوروکراتیک در حل مسائل درون حزب از نظر ما محکوم است. برای جنبش کمونیستی و آینده آن مهم این نیست که چه کسی چه کسیرا معلق میکند. مهم اینست که هر طرف چه نظرات و مسائلی را طرح میکنند و چه راه‌حلی را ارائه میدهند. سیاست، خط مشی و عملکرد رهبری حزب را که طی چند سال اخیر بیشترین لطامات و فجایع را برای حزب و جنبش در تمامیت آن ببار آورده است چگونه ارزیابی می‌کنند؟ چه چیزی را میخواهند تغییر دهند و از چه طریق؟

بسود مجموعه جنبش است که مسائل جنبش کمونیستی بشیوه‌ای دموکراتیک و با مشارکت فعال وسیعترین نیروها مورد بررسی عمیق و مسئولانه قرارگیرد.

نظمی بوروکراتیک تعبیر می‌کند و بیعت کامل اعضا حزب با نظرات رهبری را طلب می‌کند. چنین درکی، کار مستقل و تعمیق اعضا حزب را در آنچه که اتفاق افتاده، تحلیل سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها بر مبنای واقعیت‌های بیرون آمده از آزمون عمل را کاری "غیرتشکیلاتی" تفسیر می‌کند. اندیشیدن موقوف (۰ اما وحدت و انضباط حزبی بنا به ماهیتش با وحدت کلمه و نظم بوروکراتیک متضاد است.

وحدت نظر در تشکیلات بر پایه مشارکت، کار مستقل و خلاق تمامی اعضا و اندیشه و تعمیق آنها در مسائل اساسی سیاست و خط‌مشی تأمین میشود. وحدت نظر بر پایه برخورد آزادانه و دموکراتیک نظرات در درون تشکیلات، روشنگری و بحث و اقناع و بدنبال آن تبعیت اقلیت از اکثریت حاصل میشود.

بهر میزان که حوادث اتفاق افتاده مهم باشند، بهر میزان که مسائل در دستور مباحثه و تصمیم‌گیری حیاتی باشد، درست بهمان میزان باید مشارکت آزادانه و فعال اعضا بطور وسیع تأمین شود. بکارگیری روش بوروکراتیک حاصلی جز شکست‌های سنگین‌تر آتی ندارد. وحدت و انضباط حزبی تنها و تنها با روشهای دموکراتیک قابل حصول است. سرکوب نظرات مخالف چیزی جز سرکوب اندیشه و نیروی زندگی در درون حزب نیست. آنچه که رزمنده کمونیست را توانا میسازد سخت‌ترین لحظات خونین را پایمردانه تحمل کند - در برابر سفاک‌ترین دشمن سپهر نیاندازد - به آرمان و راه و خلق‌اش پشت پا نزند - با فداکاری و ایثار حماسه بیافریند - بر موانع و سدهای که بهیچ‌وجه نمیتوان از قبل پیش بینی کرد، غلبه کند - ایمان و اعتقادی است که بر پایه آگاهی، اندیشه آزاد و خلاق، تعمق و کار مستقل و مستمر در مسائل جنبش کارگری و مبارزه شکل می‌گیرد، آن نیروی فکری اخلاقی است که در جریان مبارزه و مبارزه درون سازمانی جلا و صیقل می‌یابد. برعکس نظم بوروکراتیک دشمن آگاهی و تفکر مستقل است. چنین نظمی مروج چاپلوسی و نوکر مفتی است. نان را به نرخ روز خوردن و مجیز قویتر را گفتن و در سر هر پیچ بهمه چیر پشت پا زدن.

وقت آنست که ار گذشته‌ها درس گرفته شود. وقت آنست که بررسی و تعمیق شود که چرا و چگونه نقض دموکراسی درون حزبی و بکارگیری شیوه‌های بوروکراتیک در حزب نوده تا حد يك قاعده متداول ارتقاء یافته است؟

اساسنامه حزب پیش‌بینی می‌کند که کنگره‌های حزب هر سه سال یکبار و پلنوم‌های کمیته مرکزی هر شش ماه یکبار برگزار شود. رهبری حزب طی ۴ سال دوبار کنگره برگزار کرده است. ۳۷ سال است که رهبری از تشکیل کنگره طفره می‌برد.

کنگره عملاً از زندگی حزب حذف شده است. اما نقض دموکراسی درون حزبی به مورد کنگره محدود نمیشود. رهبری حزب در طی ۴ سال ۱۸ بار پلنوم برگزار کرده است. تشکیل پلنوم‌ها تابع

در شماره ۱۱ نام مردم اطلاعاتی‌ای بشرح زیر درج شده است: "طبق تصمیم هیئت سیاسی که مشروح آن به استحضار کلیه سازمانهای حزبی رسیده است، رفقا خسرو امیرخسروی، فریدون آذر نور و فرهاد فرجاد آزاد بعلت عمل غیر تشکیلاتی و تخلف صریح از وظائف سازمانی اعضا حزب مصرح در بندهای الف، ب، ج، د ماده ۴ و تبصره بند الف از ماده ۵ از تاریخ ۲۵ خرداد ۶۴ از عضویت اصلی و مشاور کمیته مرکزی تا تصمیم نهائی پلنوم معلق اعلام شده‌اند."

تمامی سازمانهای سیاسی طی چند سال اخیر، با شدت و ضعف متفاوت، لطامات و ضربات بسیار سنگینی را متحمل شده‌اند. ابعاد فاجعه‌ای که در میهنمان اتفاق افتاده است از هر سازمان سیاسی جدی طلب می‌کند که با نهایت مسئولیت خط‌مشی، سیاست و روش کارش را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد.

در این میان حزب توده چه بلحاظ سنگینی ضربه‌ای که متوجه آن شده است، چه بلحاظ تناقض عمیق تئوری، سیاست و خط‌مشی حزب با واقعیت‌ها - چه بلحاظ مسئولیت رهبری آن در قبال سیاست و روشی که نسبت به حاکمیت از یکسو و سازمانهای سیاسی از سوی دیگر، به پیش برده است - و چه بلحاظ شدت حیرت و سرگردانی و بی‌اطلاعی کادرها و اعضا و هواداران حزب در بحرانی عمیق قرار گرفته است. اما رهبری حزب از زیر مسئولیت‌شان خالی می‌کند و به نحو مضحکی کوشش می‌کند همچون کبک سرش را در زیر برف قایم بکند. پلنوم هیجدهم حزب که اعضا و هوادارانش بدان امید بسته بودند بطور صاف و ساده کلیه مسائل را مسکوت گذاشت. هیچ چیز منعکس نشد، گویا اصلاً اتفاقی نیفتاده است یا حاضرین در پلنوم از آن چه گذشته بی‌اطلاع هستند.

مثل همیشه اعلام شد که "پلنوم ... رویدادی عظیم، تاریخی و سرنوشت‌ساز ... است" و مثل همیشه "تصمیمات متخذ ... چه از جهت سطح عالی اصولیت، قاطعیت و وحدت نظر مقام بس مهمی در تاریخ حزب احراز می‌کند."

تمامی نگرانی‌ها زودده شد! مهم وحدت نظر است که در سطح عالی موجود است. با وجود این اخیراً هیئت سیاسی برای محکم‌کاری جلوگیری از هر گونه تفسیر نادرست، ۳ نفر را که بنا به اعلام حزب چندی قبل با "وحدت نظر" کامل با دیگران "تصمیمات تاریخی و سرنوشت‌ساز پلنوم را اتخاذ کرده بودند، بدلیل "عمل غیر-تشکیلاتی" (که نباید با اختلاف نظر اشتباه کرد!) معلق کرده‌است تا سایرین عبرت بگیرند و کماکان "وحدت نظر" در "عالیترین سطح"، در عرش‌اعلی، محفوظ بماند.

x x x

سالم‌هاست که رهبری حزب، وحدت حزبی را "وحدت کلمه" معنی می‌کند و انضباط حزبی را



برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

باز هم درباره ***

تقویت رابطه با مرکز ارتباطات سازمان

در "فدائی" شماره ۱۴ تحت عنوان "تقویت رابطه با مرکز ارتباطات سازمان - وظیفه‌ای مهم" گفتیم "رهبری سازمان برای پاسخگویی به الزامات مبارزه در این شرایط یعنی الف) شرکت هر چه موثرتر و وسیع‌تر نیروهای رزمنده فدائی در جنبش رو به رشد، و گسترش نفوذ سازمان در میان کارگران و زحمتکشان، و ب) تضمین ادامه‌کاری فعالیت انقلابی سازمان از طریق خنثی سازی تمامی و سیاسی دشمن در راه تلاشی و انهدام سازمان، از مدتها قبل تغییرات و اقداماتی را در سطح تشکیلات به اجرا گذاشته است. یکی از مهم‌ترین این اقدامات گذار از سازماندهی متمرکز به سازماندهی غیرمتمرکز بوده است..."

در میان مجموعه جوانب این ساخت تشکیلاتی، سازماندهی صحیح ارتباطات بگونه‌ای که بتواند رابطه‌ای مستمر، مطمئن و منظم را بین کمیته‌های جداگانه سازمانی با ارگان‌های رهبری سازمان ایجاد نماید، نقش کلیدی و پراهمیتی را بخود اختصاص می‌دهد. بدون یک نظام فعال ارتباطات، کارکرد این ساخت مختل می‌شود. تجربه کارسازمانی در یکی دو سال گذشته نیز بروشنی نشان می‌دهد که هر جا که اهمیت این امر بخوبی درک شده و امکانات و شرایط لازم برای برقراری یک رابطه دو جانبه و منظم فراهم شده، فعالیت انقلابی، هم در جنبه سیاسی - تبلیغی و هم در جنبه سازمانی - امنیتی موفقیت چشمگیری داشته است. بر این اساس مرکز ارتباطات سازمان، قبل از هر چیز توجه رفقا را مجدداً به موارد زیر جلب می‌کند:

۱ - تمامی گروه‌ها، محافل و رفقای که به هر دلیل ارتباط تشکیلاتی آنها قطع شده است و یا برای نخستین بار خواهان برقراری تماس هستند، بر اساس رهنمودهایی که در شماره‌های ۸ و ۱۴ "فدائی" و نیز شماره حاضر درج می‌شود به تهیه امکانات لازم اقدام کنند و برخورد فعال خود را تا برقراری ارتباطی دوجانبه با سازمان ادامه دهند.

۲ - تمامی واحدهای سازمانی که درحال حاضر با مرکز ارتباطات سازمان رابطه دارند، ارتقاء کیفیت کار، استفاده موثرتر از امکانات موجود، گسترش امکانات مورد نیاز، پیگیری و شناخت تاکتیک‌های دشمن و تقویت هوشیاری در این زمینه را در درجه وظایف دائمی خود قرار دهند.

در ادامه این رهنمودها و برای تکمیل آنها، مرکز ارتباطات سازمان موارد زیر را مورد تاکید قرار می‌دهد

نفرت کارگران فولاد از تفتیش بدنی

در کارخانه فولاد اهواز، جاسوسان انجمن اسلامی، کارگران کارخانه را هنگام ورود و خروج مورد بازرسی بدنی و تفتیش وسایل قرار می‌دهند. این اقدام بشماره عوامل رژیم که مدام صورت می‌گیرد مورد اعتراض کارگران است. در تیرماه ۶۴ انجمن اسلامی ضد کارگر و ضد انقلابی کارخانه برای ترساندن کارگران و خاموش کردن اعتراضات آنان، حقوق یکی از کارگران معترض را از طریق تسانی با مدیریت بعدت ۳ ماه بتأمین پرداخته

الف) چگونه می‌توان با سازمان ارتباط گرفت؟

طی نامه‌ای شرح مختصری از سابقه مبارزاتی سیاسی خود و وضع کنونی‌تان بنویسید و از طریق دوستان، اقوام و یا هر امکان مردمی که می‌شناسید (مسافر...) در خارج کشور به آدرس صندوق پستی سازمان ارسال کنید.

- برای برقراری ارتباط دوجانبه لازم است آدرس و یا شماره تلفنی از خود و یا اقوام، آشنایان و یا هر امکان مردمی دیگر را با تعیین دقیق نوع و زمان استفاده از آن برای ما ارسال نمایید.

- در صورتیکه چنین امکانی فراهم نشد، اگر در خارج از کشور آشنایانی دارید که می‌توانید آدرس یا شماره تلفن آنها را در اختیار ما قرار دهید و نسبت به سلامت کانال اطمینان لازم و کافی را دارید، از طریق این سرپل ارتباطی رابطه خود را با ما هماهنگ کنید.

آندسته از گروه‌ها و محافل هواداری که در قطع ارتباط بسر می‌برند، بسته به امکاناتشان می‌توانند با اعزام پیکی ویر به خارج از کشور در جهت برقراری رابطه اقدام نمایند. در این حالت باید قبلاً از طریق ارسال نامه‌ای به صندوق پستی سازمان، مکان و زمان اقامت پیک را مشخص کرد و یا پیک بلافاصله پس از خروج از کشور، راساً از طریق ارسال نامه اکسپرس، مکان تماس و مدت اقامت خود را اطلاع دهد تا تماس برقرار شود.

- در تمامی موارد فوق رعایت اکید اصول مخفی‌کاری و مسائل امنیتی ضرورت نام دارد. بهیچوجه در نامه‌های خود و بخصوص زمانی که نامه مستقیماً از داخل پست می‌شود، اطلاعاتی را که منجر به ردگیری پلیس و لو رفتن افراد و امکانات می‌شود درج نکنید. (گاهی دیده می‌شود رفقا هرچند که به این مسئله توجه می‌کنند که بخش‌های مختلف آدرس را باید در نامه‌های جداگانه ارسال نمایند ولی در عمل دقت لازم را بخرم نمی‌دهند و بخشی از یک آدرس را که به تنهایی می‌تواند سرخی برای دستیابی دشمن به آنها باشد بطور خام در یک نامه می‌نویسند. مثلاً در بسیاری از شهرها دستیابی پلیس به یک خیابان فرضی و پلاک منزل به تنهایی برای شناسایی محل کافی است...)

نوشتن پیام‌های کوتاه امنیتی و یا آدرس و تلفن به صورت رمز و ارسال جداگانه کلید آن می‌تواند تا حدود زیادی امکان ردگیری پلیس را از بین ببرد.

ب) ارتباطات موجود را چگونه تقویت نمائیم؟

تقویت ارتباطات موجود در گرو آن است که کانال‌های عمده ارتباطی در شرایط کنونی، یعنی به ترتیب پست (مشکل از مجموعه مواد ارسالی توسط پست نظیر ارگان، گزارشات، نامه‌ها و...)

کارگران مبارز ایران!

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه غارتگریهای سرمایه‌داران دسته دسته جوانان ما را در قربانگاه جنگ نابود کرده و شورشهای ما را به جیب دلالهای بین‌المللی سرازیر می‌نماید به علت کمبود مواد لازم کارگران را مجازات می‌کند. در چنین شرایطی تنها راه مبارزه ایجاد تشکلهای مخفی کارگری است. با ایجاد ارتباط نزدیکتر با سایر رفقای کارگر برای دفاع متحد - انه از منافع خود در جهت ایجاد این تشکلهای حرکت کنیم. کارگران که با مبارزه بر علیه رژیم دست‌نشانده پهلوی مبهترین نقش را در انقلاب بهمین داشتند، اکنون نیز با مبارزه یکپارچه خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بیشترین سهم را در سرنگونی آن ایفا خواهند کرد. سرنگون باد رژیم نسد ۵ رتری جمهوری اسلامی

هواداران امامان زده‌ان خلعی ایران

پیک و تلفن بطور همجانبه و فعال بکار گرفته شوند. در زمینه استفاده از تلفن توجه به نکات زیر ضروری است:

- نظر به اهمیت وجود امکان تماس تلفنی با رفقا برای تسریخ و کنترل امور ارتباطی، لازم است آن دسته از واحدهای سازمانی که امکان تلفنی آنها تغییر کرده است و یا به تازگی با ما در ارتباط قرار می‌گیرند، در جهت تهیه و ارسال شماره تلفن اقدام کنند. این تلفن بسته به امکانات مشخص می‌تواند مربوط به امکان سازمانی و یا دوستان و آشنایان و اقوام و دیگر امکانات مردمی باشد.

- موقعیت محل، زمان استفاده، علامت قراردادی بین طرفین مکالمه و سایر توجیهاات لازم باید از قبل تعیین شود تا میزان اشتباه و اختلال به حداقل ممکن برسد. در صورت محدودیت امکان، فردی که سر قرار تلفنی حاضر می‌شود می‌تواند تشکیلاتی نباشد. در این حالت طبیعاً توجیهاات باید هر چه دقیقتر باشند و صرفاً پیام‌هایی رد و بدل شود.

- زمان مکالمه باید حتی الامکان کوتاه باشد. لذا باید از قبل با آمادگی کامل و تعیین پوشش مناسب برای مکالمه، پای تلفن حاضر شد.

- در حال حاضر از تلفن‌هایی که رفقا در اختیار ما قرار می‌دهند صرفاً بمنظور هماهنگی در کار ارتباطات و گرفتن اخبار و پیام‌های ویژه که انتقال سریع آنها ضروری است استفاده می‌شود. به همین دلیل نباید مطالبی را که می‌توان از سایر کانال‌های ارتباطی منتقل نمود در تلفن مطرح کرد. با این همه، رفقا باید تلاش کنند کانال‌های تلفنی خود را حتی الامکان افزایش دهند. این کار برای تداوم ارتباط تلفنی در صورت غیر قابل استفاده شدن یکی از شماره‌ها ضروری است و هم با کاستن از بار تلفن‌ها امنیت آنها را افزایش می‌دهد.

- شماره تلفن‌های سازمانی از خارج که در اختیار رفقا قرار می‌گیرند عمدتاً بطور با واسطه قابل استفاده‌اند. بدین معنا که باید پیام مورد نظر را همراه با شماره تلفن ما به یکی از دوستان و آشنایان در یکی از کشورهای خارجی رساند و از وی خواست تا پیام را منتقل کند. استفاده مستقیم از این شماره‌ها زمانی درست است که از طریق تلفن‌های عمومی راه دور و نیز از امکان‌های عمومی و دولتی که بطور اتفاقی در دسترس قرار می‌گیرند و یا امکان تماس تلفنی بدون جا گذاشتن رد وجود دارد، تماس گرفته شود.

با بکارگیری خلاقیت و ابتکار در راه برقراری و تقویت رابطه با "مرکز ارتباطات سازمان" بکوشیم و از این طریق شریخی فعالیت سازمان در میان توده‌ها را افزایش دهیم!

اعتصاب بزرگ کارگران در پالایشگاه گاز، بید بلند

● پالایشگاه بزرگ کار بید بلند در ۳۰ کیلومتری آتاجاری واقع است. در تیرماه گذشته کارگران مبارز پالایشگاه، طی حرکتی متحدانه و پرشور برای رسیدن به خواسته‌های برحق خود دست به يك اعتصاب بسیار مهم زدند. این اعتصاب بدنبال مراجعات و مبارزات طولانی کارگران پالایشگاه بمنظور افزایش دستمزد و پرداخت اضافه‌کاری و پاسخهای منفی مسئولان و مدیریت پالایشگاه به خواسته‌های کارگران آغار گردید و با استقبال کارگران قسمتهای مختلف پالایشگاه روبرو شد، اعتصاب بمدت یک هفته بطول انجامید و بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران در این اعتصاب فعالانه شرکت کردند و همگی یکمدا خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند. در نتیجه اعتصاب چندین قسمت از پالایشگاه بحالت تعطیل درآمد. در این اعتصاب که برپایه خواسته‌های صنفی کارگران آغار شد خواسته‌ها و شعارهای سیاسی نیز بطور بارر مطرح گردید.

کمیته شهید دکتر نریمسا با حمایت از مبارزه انقلابی کارگران و ارائه رهنمود، کارگران را به تشدید مبارزه اعتصابی و انقلابی فراخواند.

● خورستان جنگ‌زده، گرفتار کمبود آب و برق

در سطح شهرهای خورستان بخصوص اهواز و ماهشهر کمبود آب و برق در تیر و مرداد مردم را کلافه کرده است. بدیینی و بی‌زاری مردم نسبت به رژیم افزایش یافته است و فشارها و اعتراضات مردم به مسئولین رژیم برای رفع کمبود آب آشامیدنی و رفع خاموشیهای آزاردهنده بیشتر شده است.

● اعتصاب يك ساعته کارگران فارسیت

در کارخانه فارسیت اهواز، علاوه بر نبود امکانات ایمنی محیط کار، حقوق کارگران را نیز معمولاً دیرتر از موعد مقرر پرداخت می‌کنند. بمنظور ابراز مخالفت و اعتراض نسبت به این شرایط و اخطار به جاسوسان انجمن اسلامی و مدیریت، جمع کثیری از کارگران کارخانه در اواسط تیر ماه ۶۴ بمدت يك ساعت دست از کار کشیدند. این اقدام همیارانه و متحدانه کارگران فارسیت، انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه را وحشتزده کرده و به چاره‌جویی وادار نموده است.

● اهورانیها، مالیات نمی‌دهند

در اهواز، داورندگان اتوموبیلهای سواری از پرداخت مالیات سال ۶۴ خودداری می‌کنند و ماموران اداره راهنمایی و رانندگی نیز در سطح شهر اقدام به توقیف اتوموبیلها کرده‌اند. مردم این اقدام دولت را تلاش برای گرفتن مالیات بهر طریق و بمنظور حفظ اقتصاد ورشکسته آن می‌دانند و شدیداً از آن ناراضی هستند.

● دزدی ادامه دارد

اخیراً در چندین انبار شرکت دایلم در اهواز و همچنین در انبار بزرگ شرکت نفت در آتاجاری دزدیهای بزرگی صورت گرفته است. در مورد دزدیهای شرکت دایلم، شایعاتی در مورد عمدی بودن این اقدامات وجود دارد. بر پایه این شایعات شرکت دایلم بدینترتیب قصد دارد، اجرای پژوهشها را

بحالت تعلیق درآورد.

● اعتراض خونین مردم در عسکران نجف‌آباد

در تاریخ ۶۴/۴/۲۴، ماموران و عوامل دولتی، وارد روستای عسکران نجف‌آباد اصفهان شدند. ماموران دولتی بقصد حفر کانال و منتقل کردن آب مورد استفاده روستای عسکران بدیگر نقاط، بولدوزر و دیگر وسایل را بکار انداختند. از آنجا که اجرای این طرح باعث نابودی مراتع و کشاورزی منطقه می‌شد، دهقانان عسکران، به مقابله با عوامل دولتی که ماموران مسلح را نیز با خود به منطقه آورده بودند، برخاستند و با سنگ و چوب مانع از ادامه کار آنان و حفر کانال شدند. بدنبال مخالفت و اعتراض مردم، پاسداران رژیم به اهالی روستا حمله کردند و بدستور فرماندار نجف‌آباد مردم را به گلوله بستند و دهها تن از روستائیان را زخمی کرده و به خاک و خون کشاندند. پاسداران پس از این اقدام جنایتکارانه خود با عکس‌العمل و هجوم یکپارچه و خشم‌آلود اهالی روبرو شدند، منطقه را ترك کردند. پس از آن، توده‌های خشمگین و داغدار جاده مواصلاتی اصفهان - اهواز را با آتش‌زدن لاستیک و ایجاد مانع، بستند.

در این میان، افراد زخمی شده و جنازه کشته شدگان را نیز بروی جاده آوردند و برای مسافرین جنایات پاسداران را تشریح کردند در این هنگام امواج نفرت و بی‌زاری مردم بصورت شعارهای " مرگ بر پاسدار" و " این سند جنایت پاسدار" تا پاسی از شب، فضا را می‌پوشاند. این حرکت اعتراضی تا بامداد روز بعد ادامه یافت.

صبح روز بعد، ۶۴/۴/۲۴ نیروهای دولتی با تعدادی نفربر و ماموران مسلح به اسلحه، باتوم، سپر و کلاهخود وارد منطقه شدند و با حمله به مردم، اقدام به سرکوب و دستگیری آنان کردند و جمعا نزدیک به ۴۰۰ نفر را دستگیر کرده، به تعقیب و متفرق کردن دیگران پرداختند. بدنبال حمله ماموران رژیم و دستگیری‌ها، این حرکت اعتراضی مردم که حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت کننده داشت موقتا فروکش کرد تا در آینده و باری دیگر بروز کند.

● اعتراض توده‌ای و تاکتیک موفق راهبندان

تاکتیک راهبندان، بعنوان يك شیوه موثر و موفق در حرکات اعتراضی توده‌ای، تاکنون چندین بار در شهر بزرگ و صنعتی اصفهان و محلات و مناطق اطراف اصفهان، توسط مردم اجرا شده است. اخیراً نیز در تاریخ ۶۴/۴/۱۰ جاده نجف‌آباد - اصفهان، توسط اهالی محله منارجنبان و در اعتراض به یورش سرکوبگرانه پاسداران رژیم بسته شد. در تاریخ ۶۴/۴/۱۰ آرمیانیان عده‌ای از اهالی منارجنبان و گروهی از افغانیان برخورد و نزاع بروز کرد. بدنبال این واقعه پاسداران رژیم به محله یورش آوردند و عده‌ای از اهالی را دستگیر کردند و با ضرب و شتم به همراه خود بردند. در اعتراض به اقدام پاسداران مردم محله منارجنبان جاده مواصلاتی اصفهان - نجف‌آباد را بستند و خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان شدند که مجدداً با یورش بیرحمانه پاسداران و تیراندازی شدید آنها روبرو شدند. در این یورش عده‌ای از اهالی زخمی و جمع دیگری نیز دستگیر شدند. پاسداران، برای اینکه زخمی شدگان را زیر نظر خود داشته و برای نقشه‌ها و اقدامات بعدی ضدمردمی خود

بر آنها مسلط باشند، آنها را به بیمارستان مخصوص پاسداران انتقال دادند. اما در نتیجه این اقدامات سرکوبگرانه، شور انقلابی و روحیه مقاومت در برابر پاسداران زیادتر گردید و مردم همچنان جاده مواصلاتی نجف‌آباد - اصفهان را در کنترل خود داشتند. بدنبال این مقاومت و پایداری مردم، گردانندگان رژیم در اصفهان، از ترس اوج گرفتن اعتراضات و پیوستن اهالی دیگر محلات و مناطق به معترضین منارجنبان، دستگیر شدگان را آزاد کردند و این حرکت اعتراضی توده‌ای با موفقیت به پایان رسید.

● پاسداران رژیم در لباس عادی

اصفهان - تیرماه ۶۴ : پاسداران رژیم طی اینمدت و در لباس عادی اقدام به بستن خیابانها و تفتیش و بازرسی مردم و بخصوص موتورسوارها کردند. آنها برای توجیه این شیوه‌های ضدمردمی خود اینطور شایع می‌کردند که در جستجوی افراد قاچاقچی هستند. این اقدامات و این شایعات فریبکارانه، بر موج ناراضیتی و نفرت مردم از رژیم و کارگزاران رژیم افزوده است.

● ناامنی در جاده‌های جنوب

ناامنی و فضای ترس و وحشت بر جاده‌های جنوب بخصوص بر جاده‌های فارس و هرمزگان حاکم شده است. در طی خردادماه ۶۴ بین جاده بندر عباس به لار و اوز ۱۷ اتوبوس و تعداد بیشماری اتوموبیل سواری بوسیله راهزنان متوقف و اموال و دارائی سرنشینان آنها بسرقت رفته است. تعداد اتوموبیلهایی که بین جاده بندرعباس - بستک گرفتار راهزنان شده‌اند بیش از ۷۰ خودرو بوده است. در نزدیکی بوشهر تعدادی از این راهزنان بوسیله پرسنل نیروی هوایی دستگیر شده‌اند. سارقین حاضر جواب گفته‌اند: " ما این کار را برای کمک به جیبه‌ها انجام داده‌ایم!؟"

● خانها و آخوندها دست در دست هم

غلامرضا غضنفری از فنودالهای کژدن کلفت لرستان و از نمایندگان سابق مجلس شورا در رژیم شاه خائن است. روستائیان املاک غلامرضا خان چندین بار برای مصادره زمینهای او آماده شده‌اند که هربار مورد حمله عوامل خان قرار گرفته‌اند. اخیراً غلامرضاخان غضنفری برای تضمین مالکیت خود، زمینهای خود را بعنوان اجاره، در اختیار آخوند شیخ تقی جهانگیری رئیس کمیته نورآباد و ایضا حاکم شرع محل و شخص دیگری بنام حاج پنجشنبه گولیوند از دوستان نزدیک عباسعلی صادقی حاکم شرع خرم‌آباد قرار داده است. اخیراً روستائیان ضد خان که هم‌چنان در صدد احقاق حقوق پایمال شده خود هستند، چندین قطعه از گدمازارهای غلامرضاخان را شبانه درو کردند.

● افزایش "گشتی‌ها" با لباس شخصی

در تیر و مرداد عوامل رژیم در اهواز دامنه جو ارناب و سرکوب را گسترش دادند. ماموران کمیته و پاسداران با لباس شخصی و گشت‌های موتوری به تعداد زیاد در مناطق مختلف شهر در حال حرکت و کنترل و تجسس بودند.



★ آفریقای جنوبی در آستانه انقلاب

آفریقای جنوبی در آستانه انقلاب بسر می‌برد. مردم آفریقای جنوبی در سالهای اخیر نه تنها در آرزوهای خود، بلکه با مبارزه عملی و روزمره خود نشان داده‌اند که نمی‌خواهند نظام آپارتاید، نظام جدائی نژادی و ستم و استثمار اقلیت سفید پوست بر اکثریت سیاه پوست کشور ادامه یابد. آنها نشان داده‌اند که نمی‌خواهند در کشور زاد بومی خود بیگانه محسوب شوند و از حکومت نژاد پرستانه و استعماری کمتر از ۵۰ میلیون سفید پوست بر حدود ۲۵ میلیون سیاه پوست (بطور دقیقتر ۲۴/۵ میلیون آفریقائی، کمتر از یک میلیون آسیائی و ۳ میلیون رنگین پوستان) تبعیت کنند. آنها در مقیاس ملی و سراسری نشان داده‌اند که دیگر نمی‌پذیرند ۲۵ میلیون نفر مردم سیاه پوست و بومی در یک سیردهم از بدترین زمین‌های کشور و در اردوگاه تحت کنترل نژاد پرستان و استعمارگران (بانگوستان‌ها) زندگی کنند و از ابتدائی‌ترین حقوق مدنی محروم باشند، در حالیکه اقلیت نژاد پرست و استعمارگر ۸۷ درصد خاک کشور را در تصاحب خود داشته باشد و همراه با شرکت‌ها و دولت‌های امپریالیستی منابع ملی و دسترنج زحمتکشان را به تاراج برد.

تاریخ اخیر آفریقای جنوبی از شورش سووتو در سال ۱۹۷۶ به بعد نشان می‌دهد که مردم این کشور بتدریج اعتراضات توده‌ای خود را تا سطح یک قیام سراسری ارتقا می‌دهند، هر چند که فعلا بطور عمده سلاحی جز سنک و چوب و بطری‌های مواد منفجره ندارند. بویژه از آغاز دهه ۱۹۸۰ سیر جزیانات، بروشنی بیانگر گذار از اعتصابات و اعتراضات مسالمت‌آمیز به نبردهای قهرآمیز با نژادپرستان است. این جریان با گذشت زمان شدت باز هم بیشتری می‌گیرد. در یک سال گذشته، قیام‌ها و شورشهای موضعی در شهرها و مناطق مسکونی سیاه پوستان بیکسیمیصه دائمی رویدادهای آفریقای جنوبی تبدیل شده است. پیشروان انقلابی مبارزه ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی این شورشها را "قیام‌های مقدماتی" می‌دانند که باید در ادامه خود به قیام سراسری و هماهنگ توده‌ای برای سزنگونی رژیم تبدیل شود.

نژاد پرستان آفریقای جنوبی و شرکای امپریالیست آنها بسرکردگی دولت آمریکا از قدرت عظیم آتشفشان خشم و نفرتی که در طی سالیان متعادی علیه سلطه آنها انباشته شده است آگاهند و به همین دلیل از هیچ تلاشی برای خفه کردن جنبش مردم فروگذار نمی‌کنند. در همین جهت بود که دولت آفریقای جنوبی یک ماه قبل حکومت نظامی اعلام کرد تا مگر از طریق افزایش تودید و ازعاب و سلاحی کردن پیشروان مبارزه توده‌ها جنبش را ناکام گذارد. در این مدت مطابق آمار رسمی بیش از ۱۵۰۰ نفر دستگیر، هزاران نفر زخمی و بیش از ۱۰۰ نفر کشته شده‌اند. اما این اقدامات، همانگونه که در هر شرایط اعتلائی روی می‌دهد،

باعث فروکش موج مبارزه نشد، بلکه آن را گسترده تر ساخت. اینک در آفریقای جنوبی جریان نیرومندی از شورشهای توده‌ای، اعتصابات کارگری، تحریم خرید کالا از مغازه‌ها و موسسات سفیدپوستان، و اعتصابات دانشجویی و دانش‌آموزی جریان دارد. همچنین مانورهای عوامفریبانه نژادپرستان و شرکای امپریالیست آنها درباره "مدرنیزه کردن" و "اصلاح کردن" آپارتاید شمری بخشیده است. از جمله این مانورها سخنرانی پیتر بوتنا در اواخر هفته گذشته بود که در آن بار دیگر بز ادامه نظام آپارتاید تاکید ورزید و به اصطلاح "اصلاحاتی" در حد نحوه توالف رفتن را اعلام داشت تا مگر از این طریق در عزم مردم بپا خاسته خلل وارد کند. اما مردم آفریقای جنوبی در جا و بلافاصله پاسخ شایسته‌ای به این هزینه‌درائی‌ها دادند؛ درست همزمان با سخنرانی بوتنا در شهر سووتو (با دو میلیون جمعیت) مقریات منبع عبور و مرور اعلام گردید ولی مردم با حضور گنشنرده خود در معابر عمومی اقدام رژیم را به مسخره گرفتند. پلیس و ارتش، با توجه به ابعاد توده‌ای حرکت مردم، تا کنون جرات نکرده‌اند مداخله کنند. کنکزه ملی آفریقا بدنبال سخنرانی بوتنا در اطلاعاتی اظهار داشت که "مبارزه علیه رژیم نژاد پرست، و از جمله مبارزه مسلحانه ادامه دارد. تنها راه پایان دادن به این ستم قهرآمیز، بگاریگری قهر انقلابی است" و بار دیگر مردم را فرا خواند تا "نظامات آپارتاید را نابود کنند و حکومت رژیم نژاد پرست بر کشور را غیرممکن سازند."

آفریقای جنوبی با ثروتها و منابع زیرزمینی سرشار و نیروی کار بسیار ارزان، بهشتی برای سرمایه‌داران خارجی و انحصارات امپریالیستی است. به همین دلیل است که شرکای بین‌المللی نژادپرستان، که سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در کشور آپارتاید کرده‌اند و سودهای افسانه‌ای به جیب می‌رند به تائید جنایات رژیم و حمایت مادی و معنوی از آن می‌پردازند و یا عوامفریبانه سکوت می‌کنند. انحصارات بزرگ امپریالیستی مانند فورد، جنرال موتورز، لیلاند، فولکس واگن، ب.ام.و، مرسدس، تویوتا، داتسون و رنو شعباتی در آفریقای جنوبی دایر کرده‌اند و به غارت دسترنج مردم این کشور مشغولند. همچنین انحصارات غولپیکر نفتی مانند گلف، اسو و بریتیش پترولیوم پالایشگاههای در این کشور احداث نموده‌اند. حجم سرمایه‌گذاری انحصارات آمریکائی در آفریقای جنوبی بیش از ۱۴ میلیارد دلار و سود سالانه آنها بیش از ۳ میلیارد دلار است. ارزش مبادلات تجاری آمریکا و آفریقای جنوبی بیش از ۳/۸ میلیارد دلار در سال است و از این نظر آمریکا بزرگترین شریک تجاری رژیم نژادپرست است. شرکت‌های آلمان غربی، دومین شریک رژیم آفریقای جنوبی پس از آمریکا سالانه حدود ۱/۵ میلیارد دلار سود می‌برند. انگلستان، فرانسه و ژاپن نیز شرکت‌های متعددی در کشور

دایر کرده‌اند و سهمی از این چپاول را تصاحب می‌کنند. تنها در سال ۱۹۷۴ و تنها در معادن طلا، آمریکا ۲۳۴۰ میلیون دلار سود برده است. این سودهای افسانه‌ای در شرایطی به جیب مشتکی صاحبان انحصارات بین‌المللی جاری می‌شود که اکثریت سیاه‌پوست آفریقای جنوبی در فقر و محرومیتی طاقت‌فرسا رنج می‌برند؛ بیش از ۶۰ درصد آفریقائی‌ها زیر سطح فقر قرار دارند، حدود ۲ میلیون بیکار هستند، تنها ۲۶ درصد از درآمد عمومی به سیاهان (۷۰ درصد نیروی کار) تعلق می‌گیرد در حالیکه اقلیت سفیدپوست ۶۴ درصد درآمد را به خود اختصاص می‌دهد، کارگران آفریقائی که ۹۰ درصد نیروی کار معادن طلا را تشکیل می‌دهند تنها ده درصد کل دستمزدها را میگیرند در حالیکه ۱۰ درصد باقیمانده کارکنان سفیدپوست - ۹۰ درصد کل حقوق پرداختی را به جیب می‌رند، از هر هزار خانواده آفریقائی تنها یک خانواده تلفن دارد، تنها تعداد انگشت‌شمار اتوموبیل شخصی دارند، تنها دو درصد آفریقائی‌ها بیخچال دارند. ۰۰۰۰ حامیان بین‌المللی نژادپرستان در واقع ادامه چنین وضعی را می‌خواهند. سیاست " دخالت سازنده" که دولت آمریکا از زبان رئیس‌اش، رونالد ریگان از آن دم می‌رند در واقع به معنای ادامه این غارتگری افسارگسیخته است. برای ادامه این خان یغماست که ریگان می‌گوید اقدامات رژیم آفریقای جنوبی " اقداماتی هستند که هدف محدود کردن قهر را دنبال می‌کنند" و لذا " باید آنها را پذیرفت" و یا رابرت مک‌فارلین مشاور امنیتی ریگان به قربانیان سرکوب نژادپرستان حمله می‌کند و وقیحانه به آنها " توصیه" می‌کند که " به جای ریختن خون از حکومت بخواهند تا اصلاحات اجتماعی و سیاسی انجام دهد." آلمان غربی و انگلستان، شرکای عمده رژیم آفریقای جنوبی پس از آمریکا نیر مواضع مشابهی اتخاذ کرده‌اند. دیگر کشورهای اروپای غربی نیر گام مهمی در جهت تحریم این رژیم و اعمال فشار بر آن برنداشته و عمدتا سکوت کرده‌اند.

در برابر این موضع ارتجاعی دولت‌های امپریالیستی، نیروهای دموکراتیک سراسر جهان و در راس آنها کمونیستها کارزار گسترده‌ای را در همبستگی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی علیه آپارتاید برپا کرده‌اند. آنها با افشای جنایات رژیم نژادپرست هم مردم خود را به حمایت از این مبارزه عادلانه برانگیخته‌اند و هم حامیان بین‌المللی امپریالیستها در مقابل افکار عمومی به محاکمه کشیده و تحت فشار قرار داده‌اند. برآمدهای توده‌ای گسترده علیه جنایات رژیم آپارتاید و در همبستگی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی، بسیاری از دولت‌های امپریالیستی را به موضع دفاعی و تناقض‌گویی انداخته است.

★ نلسون ماندلا سمبل مبارزه ضد آپارتاید

نلسون ماندلا که برادران و خواهران سیامش " عمو ماندلا" می‌نامندش، در سال ۱۹۱۸ متولد شده و در مدرسه الهیات تحصیل کرده است. بقیه در صفحه ۹

بردن نام او در آفریقای جنوبی زندان دارد. اما اینک شعار " ماندلا را آزاد کنید" فریادی است که بر زبان همه کسانی که علی‌رغم سرکوب وحشیانه علیه نژادپرستان مبارزه می‌کنند جاری است.

نلسون ماندلا قدیمی‌ترین زندانی سیاسی جهان است. او که ۲۲ سال است در زندان بسر می‌برد به سمبل مقاومت و مبارزه علیه آپارتاید در قاره آفریقا و در سراسر جهان تبدیل شده است.

قیه از صفحه ۸

آفریقای جنوبی * * *

نخستین تماس‌های او با جنبش دانشجویی در دانشگاه فورت هارلا که در آن تحصیل می‌کرد و تنها دانشگاهی بود که سیاهان به آن راه داشتند صورت گرفت. بعدها ماندلا برای گذراندن زندگی به شغل درباری معدن در منطقه ژوهانسبورگ روی آورد و در اینجا بود که چهره آپارتاید را با همه زشتی و خسونت آن شناخت.

ماندلا در سال ۱۹۴۴ به کنگره ملی آفریقا - که در سال ۱۹۱۲ تاسیس شده - پیوست و در سال ۱۹۵۱ همراه با الیور تامبو، رئیس کنونی کنگره ملی آفریقا، اولین وکیل سیاه آفریقای جنوبی شد. او که یکبار در سال ۱۹۵۲ دستگیر و آزاد شده بود، بار دیگر در سال ۱۹۵۶ دستگیر شد. در اوائل دهه ۱۹۶۰ از سونی سرکوبگرانه‌ترین قوانین نژاد پرستانه تصویب و اجرا شد و از سوی دیگر مبارزه

*** پیکی از زیرزمین**

همزمان با اوجگیری مبارزه مردم علیه رژیم آپارتاید، تراکت‌ها و اعلامیه‌های حزب کمونیست آفریقای جنوبی که از ۳۵ سال قبل به فعالیت مخفی مشغول بوده، در محلات سیاه‌پوستان پدیدار شده‌است. همچنین از اوایل سال جاری، انتشار سری جدیدی از نشریه "کارگر" (با عنوان فرعی "صدای حزب کمونیست آفریقای جنوبی") پس از سالها توقف آغاز شده‌است. این نشریه بمنظور اجرای تصمیمات کنگره ششم حزب کمونیست آفریقای جنوبی که در اواخر سال گذشته و در شرایط مخفی برگزار گردید، منتشر می‌شود. کنگره "تعمیق بحران سراسری" ناتوانی طبقه حاکم به ادامه حکومت و به روش گذشته، "آگاهی اقشار فزاینده مردم از ضرورت انقلاب و آمادگی آنها برای فداکردن جان خود در راه انقلاب" را خاطر نشان می‌کند و بر این مبنا بر "ضرورت مبرم اشاعه اندیشه‌های رهایی-بخش مارکسیسم - لنینیسم در بین مردم، بویژه کارگران و جوانان" ضرورت تقویت قدرت سازمانی حزب کمونیست و نقش آن بعنوان جزئی از کنگره ملی آفریقا و هم چنین بعنوان پیشاهنگ مستقل پرولتاریای آفریقای جنوبی" تاکید می‌ورزد.

نشریه "کارگر" که در ۱۲ صفحه منتشر می‌شود

*** بهای شجاعت**

نامه میکیس ثئودوراکیس، آهنگساز یونانی به نلسون ماندلا

نلسون عزیز، اینک ۴۲ سال است که یک در بسته جهان تو را به سرمای یک سلول محدود کرده است، یک ربع قرن است که می‌خواهند با تکیه

ضد آپارتاید اوج گرفت. ماندلا که در آن زمان وکیل ترانسوال بود الهام‌بخش جنبش "عدم اطاعت از قوانین" شده. کشتار شارپویل در سال ۱۹۶۱ که بنا به آمار رسمی ۸۶ کشته برجای گذاشت خیرش جدیدی را بدنیا آورد و دولت نژادپرست این شورش را بهانه‌ای برای غیرقانونی اعلام کردن کنگره ملی آفریقا قرار داد.

در شرایط مبارزه مخفی، نلسون ماندلا همراه با حزب کمونیست آفریقای جنوبی، شاخه مسلح کنگره ملی آفریقا ("تیغه شمشیر ملت") را سازماندهی کرده. ماندلا در سال ۱۹۶۲ دستگیر شد و به حبس ابد محکوم گردید. وکیل مدافع او، کمونیست برام فیشر نیز کمی بعد دستگیر شد و در سال ۱۹۷۶ در زندان درگذشت. نلسون ماندلا چندین بار در اردوگاه زندانیان محکوم به اعمال شاقه در جزیره روبن بسر می‌برد تا اینکه تحت

فشار جنبش همبستگی بین‌المللی به زندان منتقل شده. دولت نژادپرست آفریقای جنوبی و رئیس جنایتکار آن پیتر بوت بارها اعلام کرده است که در آزادی پذیرش سکوت و تبعید و یا لااقل "عدم تبلیغ مبارزه قهرآمیز" حاضر است ماندلا را آزاد کند، اما هربار با "نه" قاطع و صریح سمبل مبارزه ضد آپارتاید روبرو شده‌است.

در جریان اقدامات سرکوبگرانه اخیر، نژاد پرستان خانه مسکونی وینی ماندلا همسر نلسون ماندلا را در تبعیدگاهش به آتش کشیدند و تعداد زیادی از افراد خانواده‌اش را دستگیر نمودند. در این میان نوه بیست ماهه ماندلا نیز ناپدید شده. وینی ماندلا از دام پلیس گریخت و اینک در ژوهانسبورگ مبارزه‌اش را ادامه می‌دهد. ●

و آپارتاید معادل ستم و فقر است، هردو باید نابود شود.

نشریه خلاصه‌ای از مباحث و تصمیمات کنگره ششم حزب و بخشی از اساسنامه جدید را از اهداف حزب در آن ذکر شده، ارائه می‌دهد. مقالات دیگری این شماره درباره اول ماه مه، اصول اساسی مخفی کاری در کار زیرزمینی، درس‌های Stay-Way نوامبر ۱۹۸۴ در ترانسوال، و چهارمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم و نقش اتحاد شوروی است. همچنین سه مقاله از سلسله مطالب تئوریک درباره اقتصاد سیاسی، مارکسیسم و قهر، و اتحادیه‌های کارگری درج شده‌است. و بالاخره شماره اول نشریه کارگر طرحی از سیمای یوسف محمد دادو و جان مارکس رهبران فقید حزب کمونیست آفریقای جنوبی و قسمتی از سخنرانی اولیور تامبو، رئیس کنگره ملی آفریقا و موسی مبیذا بمناسبت شصتین سالگرد تاسیس حزب کمونیست آفریقای جنوبی در سال ۱۹۸۱ را منعکس کرده‌است. این نشریه پیکی است که حزب کمونیست از زیرزمین به میان آورده‌است. ●

اهداف و روش‌های کار حزب کمونیست را به زبان ساده توضیح می‌دهد و بعضی مسائل حیاتی مبارزه توده مردم در راه رهایی ملی، سوسیالیسم و صلح جهانی را به بحث می‌گذارد. در سرفقاله شماره اول نشریه تحت عنوان "به پیش همراه با نشریه کارگر" آمده‌است "تشکیلات همپیر است! برای رویارویی با دشمن ما باید متشکل شویم و اشاعه آگاهی نقطه آغازین شکل و سازمانگری است. به این دلیل است که ما نشریه مان را سازمانگر می‌دانیم."

"درك اندیشه مارکسیستی - لنینیستی و چگونگی کاربرست آن در شرایط آفریقای جنوبی توسط حزبمان، در سازمانگری راه آینده به ما کمک می‌کند ما می‌خواهیم از طریق نشریه "کارگر" پیوندی میان همه واحدها و کادرهای انقلابی برقرار کنیم و آنتهایی را نیز که هنوز در جستجوی راه مبارزه-اند هدایت نمائیم. ما قبل از هرچیز می‌خواهیم درك انقلابی و تعهدی را برانگیزیم که به سازمانگری و اقدام منجر شود."

مقاله اول تحت عنوان "زمان را دریابید!" بحران رژیم نژادپرست را شرح می‌دهد و مردم را به تشدید حمله در همه جبهه‌ها فرا می‌خواند. سرمایه‌دار

بر تنهائی تو را در هم بشکنند. ولی در سراسر این زمان طولانی - که به عمر یک نسل سرمی‌ساید - آنها نتوانسته‌اند مژه شکست خود را از گامشان بردارند. من بهای شجاعت تو را می‌دانم چرا که چندین سال زندان‌های سرنگمان یونان را تجربه

تیرباران سه تن از رهبران حزب کمونیست اندونزی * * *

کمونیت اندونزی در ایالت جاوه دستگیر شده و به مرگ محکوم شده بودند. چندی قبل نیز این رژیم محمد منیر رئیس ش.ژ.ت. اندونزی و عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست را اعدام کرده‌است. درحال حاضر روسلان و بیجا با ساسترا، یکی از رهبران سندیکاهای کارگری و حزب کمونیست در معرض اعدام قرار دارد. رژیم رسوای اندونزی جنایات خود را در سکوت کامل و بدون اعلام آنها انجام می‌دهد. ننگ و نفرت بر همه جنایتکاران و شرکای بین‌المللی آنها.

همانگونه در شماره گذشته فدائی گفتیم رژیم جنایتکار دیکتاتور سوهارتو در اندونزی قصد دارد عده‌ای از رهبران و کادرهای طراز اول حزب کمونیست اندونزی را که از سالها قبل در زندانند به جوخه اعدام بسپارد. رورهای اول، دوم و سوم ژوئیه (۲۹، ۳۰ و ۳۱ تیر ماه) آدمکشان جاکارتا سه تن از رهبران حزب کمونیست اندونزی، روستمو (۶۰ ساله)، کاتولستاریو (۲۰ساله) و جوکواونتونک (۶۲ساله) را تیرباران کرده‌اند، این رفقا در سال ۱۹۶۸ به جرم تجدید سازمان تشکیلات حزب

همه مبارزان را با شرف
علیه جناب و کشتار!
سازمان فدائیان خلق
ایران - کمیته خبر و انتشارات

گوشه ای از غارت ثروت‌های ملی ایران

اخیراً برخی از روزنامه‌های اروپائی و امریکائی فاش کرده‌اند که ماموران خمینی سالی هزاران میلیون دلار اسلحه از انحصارات امریکائی و انگلیسی می‌خرند. روزنامه هرالد تریبون می‌نویسد این سلاح‌ها که چندین بار گرانتر از قیمت واقعی آنها توسط دلان بین‌المللی به رژیم اسلامی فروخته می‌شود نخست از امریکا به انگلیس حمل می‌گردد و از آنجا تحت پوشش وسایل و قطعات یدکی اتومبیل و یا ابزار و آلات کشاورزی با کشتی‌های تجاری انگلیسی به بندرعباس می‌رود. در پاره‌ای موارد نیز دلان بین‌المللی اسلحه در آبهای بین‌المللی محموله را تحویل می‌دهند و همانجا آخرین قسمت پول را تحویل می‌گیرند.

بنا به آنچه در روزنامه آمده است مقامات ایرانی برای دستیابی به سلاح‌ها و قطعات یدکی آن‌ها هر چند که پول لازم باشد می‌پردازند. هرگزوه سه تا چهارتفری از ماموران خرید جمهوری اسلامی که با سایر گروه‌های رژیم تماس ندارند و مستقیماً با وزارت دفاع، خارجه و یا سفارتخانه‌های رژیم در تماسند می‌توانند به آسانی تا ۵۰۰ میلیون دلار چک بدهند و برای خرید چند موشک هوا به هوا و یا چند قطعه از وسایل یدکی اف - ۱۴، ۱۰۰ میلیون دلار از ثروت‌های مردم ایران را به دلان بین‌المللی بدهند. در یک مورد ماموران رژیم جمهوری اسلامی برای خرید چند قطعه از ابزار یدکی اف - ۱۴، ۱۴۰ میلیون دلار به یک دلال پرداخته‌اند. روزنامه هرالد تریبون می‌نویسد مطابق اسناد منتشر شده در مطبوعات امریکائی و انگلیسی مقامات ایرانی به هر افسر و یا هر مقام امریکائی که با شبکه خرید و حمل اسلحه با جمهوری اسلامی

همبستگی مطبوعات و نیروهای دموکراتیک نروژ با پناهندگان ایرانی

اخیراً چند نفر از پناهندگان سیاسی ایرانی که از طریق ترکیه وارد نروژ شده بودند توسط دولت این کشور به ترکیه بازگردانده شدند. باتوجه به خطری که جان پناهندگان ایرانی را در صورت تحویل آنها از جانب حکومت ترکیه به رژیم جمهوری اسلامی تهدید می‌کرد، مطبوعات و محافل دموکراتیک نروژ اقدام دولت و پلیس نروژ را مورد انتقاد قرار دادند و خواستار بازگرداندن فوری پناهندگان ایرانی از ترکیه به نروژ شدند. حمایت افکار عمومی نروژ از این خواست باعث شد که دولت نروژ سرانجام موافقت کرد و چند پناهنده ایرانی مجدداً به نروژ بازگردانده شدند. پس از بازگشت، پناهندگان ایرانی در مصاحبه با مطبوعات و رادیو تلویزیون نروژ، جنایات رژیم جمهوری اسلامی را افشاء کردند و شرایط زندان‌ها و شکنجه وحشیانه زندانیان سیاسی را برای مردم نروژ بازگو کردند. دو نفر از پناهندگان که جنایات رژیم را افشاء کردند از هواداران سازمان هستند. یکی از این رفقا همسر رفیق فریدون کهزادی است که ۳ سال پیش توسط رژیم جمهوری اسلامی به جوخه تیرباران سپرده شده.

معماری می‌کند روزانه ۸۰ هزار دلار که معادل دستمزد ۵۰ هزار کارگر ایرانی است می‌پردازد. و این درحالی است که اکثریت مردم ایران در فقر و فلاکت قرار گرفته‌اند. این جنایات رژیم جمهوری اسلامی که بابه حراج گذاردن نفت ایران و به یاد دادن ثروت‌های ملی ایران صورت می‌گیرد درحالی ادامه می‌یابد که اکثریت توده‌های مردم ایران با فقر و فلاکت مواجه‌اند.

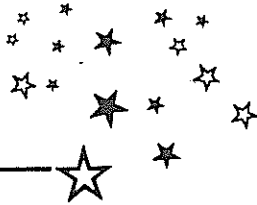
رسوائی نهائیش انتخابات رژیم

با وجود آن که از یکی دو هفته پیش از انتخابات، خمینی و دست پروردگانش رفسنجانی و خامنه‌ای مرتباً تأکید می‌کردند که هرگونه "عدم شرکت در انتخابات به معنای مخالفت با نظام جمهوری اسلامی است" و بدینوسیله مردم را تهدید می‌کردند و با وجود آن که شبکه امامان جمعه و نمایندگان امام و تشکیلات حزب جمهوری اسلامی، سپاه و کمیته‌ها در سراسر ایران مأمور شده بودند که هر طوری شده با تهدید و تطمیع و هر وسیله دیگری مردم را به پای صندوقها بکشانند، مردم ایران با عدم شرکت در انتخابات قلبی سیلی محکمی بر چهره رژیم جنک و جنایت کوفتند.

با وجود آن که ماموران حوزه‌های رایگیری و سپس وزارت کشور رژیم تعداد آراء را طبق معمول به میل خود چند برابر کردند روزنامه‌های رژیم زور ۲۷ مرداد از قول مقامات وزارت کشور تعداد کل آراء ۱۷ استان، یعنی همه نقاط ایران بجز شهر تهران را ۹ میلیون و رای تهران را یک میلیون و پانصد هزار اعلام داشتند، روز ۲۸ مرداد رژیم

گرامی باد خاطره رفقای شهید شهریور ماه

- * جمیل یخچالی * پروین فاطمی
- * ایرج سپهری * نهمورت اکبری
- * صد بهرنگی * علی بارجه‌نبارلو
- * حسن صالحی * علی میرشکاری
- * شهریار ناعید * علیرضا شکری افشار
- * پرویز داوری * غلامحسین بیکی
- * ابوبکر حمیدی * یعقوب تقدیری (امیر)
- * حسن سعادت * اعظم السادات روحی آهنگران
- * احسن ناهید * یوسف کشی‌زاده
- * عباس کابلی * حسن جان لنگوری



کمک مالی به سازمان فدائیان خلق ایران یک وظیفه انقلابی است

کدام مالی خود را به حساب زیر واریز نمایند
BANQUE C.L
N°: 85894 J
M^{me} FERESHTEH. F
AGENCE 461
PARIS FRANCE

با ما مکاتبه کنید!

*
KAR BOX 7082
S-17107 SOLNA
SWEDEN

*
O.I.P.F.
P.O. BOX 516
LONDON SW9, 9JW
ENGLAND